

نامه‌های رسیده

«بنام یگانه معبود عابدان»

سلام بر دوستان و یاران خوبم در سرتاسر کشور و سلام بر شما مسئولین مجله و سازمان خسته نباشید. نمی‌دانم با گفتن یک «خسته نباشید» ساده اما همراه یک دنیا احساس، خستگی عظیمی که از این همه تلاش و زحمت به شما دست می‌دهد از بین می‌رود یا نه؟ نمی‌دانم چه بود؟ شاید یکی از همان افکاری که یکباره به ذهنم خطور می‌کند، که باعث شد هر هشت شماره مجله را بخرم. با اینکه هرگز حتی فکر خریدشان را هم نکرده بودم، خواندم. همه را در یک روز خواندم. چقدر شیرین بود احساسی که با هر کلمه از حرفهایشان (دوستانم را می‌گویم) بر دلم می‌نشست. تازه فهمیدم که همه ما یکی هستیم. یکی در اصفهان، دیگری در تبریز، یکی در شیراز و دست‌آخر آن که در تهران است و چندان فاصله‌ای با هم نداریم، همه یکی هستیم. بعد مسافت حتی به اندازه یک تار مو میان احساسات ما فاصله نیانداخته است. برادران و خواهران بزرگترم: آرش ابوترابی، شبنم عزلتی، شهرام بنازاده! درد همه ما یکی است. دیروز تو، امروز من. دردهای دیروز شما، دردهای امروز من است و دردهای امروز شما سهمیه فردای من.

خواهرم ای کاش نگفته بودی طواف آخر... که آتش بر جانم زد. برادرم راست گفتی که روح ما با خشت خشت دیوارهای مدرسه‌ها مان آمیخته شده است. شما پیمانهای خود را تجدید کردید، می‌خواهید بمانید، مرا هم بپذیرید. من هم می‌مانم. مگر می‌شود جدا شد؟ زیباترین و بهترین لحظه‌های زندگی من و ما، در مدرسه‌ها مان گذرانده شده است. چطور می‌توان دل کند؟ از سرکوی تو گیرم که روم جای دگر
کو دلی تا بسپارم به دلارای دگر؟
من هم با این مدرسه پا گرفتم. در هر گوشه‌اش خاطره‌ای نهفته دارم. زمان می‌گذرد و با هر گذرش مرا تشنه‌تر می‌کند و بر بینهایت کویر تشنه قلبم می‌افزاید! تشنه ماندن و پر بارتر شدن، همچون شاخه گل یاس درون حیات مدرسه‌مان. تشنه سبز شدن چون تخته دیرینه کلاسمان.

لحظه وداع را خواهم گذرانم به شوق و صلی دیگر. خواهم رفت تا هنگام بازگشتن سرسبزتر باشم و پر بارتر. وقتی بازگردم خود را فدا خواهم کرد همچون پروانه‌ای عاشق بر گرد شمعی خاموش ناپذیر. باشد که از خاکسترهای «همچون من» ها نهال علم و دانش ایران اسلامی به درختی مستحکم تبدیل شود.

دوستان بیایید همه در قالب قلم‌مویی واحد در آیم و آینده‌ای روشن را برای خود و هموطنانمان به تصویر بکشیم.

سعیده امیر محسنی - مرکز آموزش زینب (س) تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

دست اندرکاران محترم مجله استعدادهای درخشان درود مرا پذیرا باشید.

مدتها بود که تصمیم به نوشتن این نامه داشتم اما تصور اینکه شخصاً قادر به یافتن پاسخی برای سؤال خود هستم مانع از این کار می‌شد. حدود ۶ سال پیش تحت عنوان تیزهوش وارد محیط مرکز راهنمایی شدم، انتظار دیدن چهره‌های عجیب و غریب را داشتم. وقتی با چهره‌های عادی و معمولی همکلاسیها و دانش‌آموزان سالهای بالاتر برخورد کردم بدنبال تفاوت

دیگر بین آنها و سایرین بودم. اندیشه کودکانه آنروزهای من تنها بدنبال «ظاهر» متمایز تیزهوش از دیگران بود. اما کم کم جو دوست‌داشتنی مرکز و بچه‌ها این تفکر کودکانه را دگرگون کرد. بعدها که باخبر شدم در دیگر نقاط کشور چنین مراکزی وجود دارند، مشتاقانه بدنبال راهی برای برقراری رابطه دوستانه با بچه‌های آن مراکز بودم. نقشه‌های گوناگونی را بر صفحه ذهنم به تصویر کشیدم تا راه بهینه را بیابم، اما... کم کم از یافتن نتیجه ناامید می‌شدم که اولین شماره مجله سازمان بدستم رسید، البته آنطور که من می‌خواستم نبود ولی همان دو سه خبر که مربوط به سازمان بود باعث خوشحالی بی‌حد من شد. شماره‌های بعد درست همان چیزی بود که من مدت‌ها انتظارش را می‌کشیدم. با خواندن نامه‌های بچه‌های سایر مراکز تا حدودی می‌توانستم با آنها آشنا شوم.

«مجله استعداد‌های درخشان» اولین پل ارتباطی بین من و عزیزان سایر مراکز بود، البته یکطرفه! این مجله اشتیاق دیرینه مرا برای دوستی و آشنایی با بچه‌های سایر مراکز دوچندان کرد.

علاقه زیادی دارم که بدانم بعنوان مثال در مراکز فرزندانگن بندرعباس یا کرمان که فاصله زیادی تا شهر و مرکز تحصیل من دارند، چه می‌گذرد.

این مجله تنها می‌تواند خلاصه‌ای از اخبار یا مختصری از نامه‌ها را بچاپ برساند و خیلی از جزئیات و اوضاع و احوال از قلم می‌افتند.

چطور می‌توان با بچه‌های سایر مراکز رابطه‌ای دوستانه برقرار کرده و تبادل نظر و اطلاعات نمود و همچنین اخبار مراکز را دریافت کرد؟

منتظر راهنمایی و پیشنهادهای شما سروران گرامی و نیز تمام عزیزان و خصوصاً دانش‌آموزان مراکز سازمان که این نامه را می‌خوانند هستم و پیشاپیش از همه سپاسگزارم. مؤید و پیروز باشید.

مهتاب تیموری

مرکز فرزندانگن همدان

بسمه تعالی

با عرض سلام و خسته نباشید مجدد خدمت دست‌اندرکاران مجله استعداد‌های درخشان غرض از نوشتن این نامه این بود که چند پیشنهاد و نظر بدهم و آن اینک:

الف) از معلمان دلسوز در اینجا تشکر می‌کنم.

ب) اگر ممکن است شما در مجله‌تان بخشی با عنوان دانش‌آموزان ممتاز داشته باشید.

ج) شما خبرنگارانی را از بین خود دانش‌آموزان هر مرکز انتخاب نمائید.

د) اگر ممکن است مسابقه‌هایی در زمینه‌های علمی، کاردستی، ورزشی و... غیره در مجله‌تان برای دانش‌آموزان سازمان در سطوح مختلف داشته باشید.

و در پایان از شما بخاطر انتشار این مجله واقعاً تشکر می‌کنم و امیدوارم که همیشه و در تمام مراحل کارهایتان موفقیت داشته باشید.

با تشکر فراوان محمد زارع‌نژاد - مرکز آموزشی شهید حقانی

استعداد‌های درخشان: ما همچنانکه این ده شماره مجله بیانگر آنست، با دانش‌آموزان موفق مرتب گفتگو داشته‌ایم؛ مسابقات اگر برگزار شود از طریق مراکز است، مانند مسابقات سراسری حفظ و قرائت قرآن مجید. در ضمن اگر خبر مستندی از طرف دانش‌آموزان برسد در محدوده کمی که برای اخبار داریم منعکس می‌کنیم.

بنام خدا

با سلامی گرم و خسته نباشیدی صمیمانه خدمت همه شما دلسوزان و تلاشگران مجله استعداد‌های درخشان. واقعاً که خسته نباشید و زحماتان بی‌ارج نباشد به نظر من از وقتی که مجله شما هر فصل به دست ما می‌رسد واقعاً یک پل بسیار محکم میان مراکز مختلف کشور برقرار شده که علاوه بر اینکه ما را از فعالیت بچه‌های مراکز مختلف باخبر می‌کند بلکه یک عامل محرک برای پیشرفت و شرکت ما در این مجله شده است. مخصوصاً از وقتی که قسمتهایی نظیر « پژوهشگران جوان » و « اخبار » و « مصاحبه با دانش‌آموزان موفق » سازمان مکمل این مجله شده است و من هم می‌خواستم چند نکته را خدمت شما عرض کنم تا در جهت خواندنی‌تر شدن و جالب‌تر شدن این مجله قدمی برداشته باشیم :

۱- خواهشمندم که قسمتی از مجله را به مشکلات خصوصی بچه‌ها اختصاص دهید چون هر چه باشد شما مجرب‌تر و کارآزموده‌تر از مراکز خودمان هستید که می‌توانید ما را در جهت سوق‌دادن به اهدافمان یاری کنید. تا مثلاً مشکلاتی از قبیل انتخاب رشته و انتخاب شغل را با شما در میان بگذاریم البته خواهشمندم که حتماً برای این بخش پاسخ نیز قرار داده شود.

۲- لطفاً شرایط را برقرار کنید ما که به کتابهای معرفی شده توسط شما دسترسی نداریم بتوانیم با واریز کردن پول ذکر شده در مجله به آدرس شما از کتابهای مورد نظرمان بهره‌مند شویم.

در پایان موفقیت روزافزون شما را در جهت هر چه پربارتر کردن این مجله و گنجاندن مطالب مفید در جهت ارتقاء سطح معلومات ما از خداوند خواستاریم.

در ضمن می‌خواستم از این طریق موفقیت دانش‌آموزان سازمان را در المپیادهای کشوری هم به خودشان و هم به سازمان که اقدام به پرورش این استعدادها کرده است تبریک بگویم.

پرنده نی‌زاده - مرکز آموزشی فرزندگان رشت

استعداد‌های درخشان : آن بخش از مشکلات و مسائل که از طریق مجله قابل پاسخ باشد، طی مقالات و یا در بخش پرسشهای شما، پاسخ داده می‌شود. در موارد خاص می‌توانید با مشاور مرکز و یا از طریق مجله با دفتر مشاوره سازمان مکاتبه کنید. در ضمن کتابهای « نشر سمپاد » را از طریق مرکز خودتان درخواست کنید. مرکز شما موظف است در این زمینه اقدام نماید.

« بنام پدیدآورنده هستی »

با عرض سلام خدمت جناب آقای دکتر اژه‌ای سرپرست محترم سازمان این نامه، پیکتی است، سرشار از سپاس و قدردانی که به نمایندگی از سوی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان فرزندگان شیراز تقدیمتان می‌کنم.

در اردیبهشت ماه سال جاری حضور فعال و سازنده سه تن از فارغ‌التحصیلان موفق سازمان به منظور برگزاری دوره دو روزه آموزش شیمی افق تازه‌ای در برابر دیدگانمان گشود. با وجود آنکه مرکز شیراز در المپیاد شیمی موفقیتی کسب ننمود اما پیامدهای مثبت و سازنده این برنامه بسیار چشمگیرتر از این ناکامی بود چرا که روحیه تلاش و کوشش را در میان همه ما برانگیخته‌تر نمود و بسیاری از فکرهای خسته و ناامید را نشاط و جنبشی ارزشمند بخشید و من نمی‌دانم چگونه به خاطر این لطف و توجه پرارزش از شما تشکر کنم. شعله‌های امید و تلاش و اعتماد به نفس در وجودمان برافروخته‌تر شد و تعهدمان نسبت به ارزشهای سازمان پایدارتر.

آقای دکتر ! تشکر صمیمانه همه دانش‌آموزان سال سوم را بپذیرید. باور کنید که از صمیم قلب تشکر می‌کنیم و من امیدوارم که شکست در اولین تجربه، اینگونه برنامه‌های سازنده را متوقف نسازد و مرکز ما نیز بتواند چهره‌هایی موفق و سازنده به جامعه تقدیم نماید.

ما پیوسته سپاسگزار خداوندیم که مسئولین سازمان اینچنین صمیمانه و خالصانه برایمان تلاش می‌کنند. خواهشمندم از طرف همه دانش‌آموزان مرکز شیراز از برادران فارغ‌التحصیل تشکر کنید. در پایان از دست‌اندرکاران مجله باارزش « استعداد‌های درخشان » سپاسگزاری می‌کنیم چرا که مجله واقعاً جذاب، مفید و سازنده است.

از خداوند منان خواستار توفیقات روزافزون شما و همه تلاشگران صمیمی سازمان بوده، امیدواریم ما نیز روزی با دستان پر به یاری دیگر مستعدان سازمان بشتابیم.

دانش‌آموزان سال سوم تجربی - فرزنانگان شیراز

بسمه تعالی

هر سال نام عزیزانی را می‌شنویم که کشور ما را مفتخر کرده و مدال‌های موفقیت بر گردنشان می‌آویزند کوس افتخار آفرینی آنها در کشور و بلکه در خارج از آن می‌پیچد ولی جای بسی تأمل دارد که تمام این برومندان از تهران اعزام شده‌اند و آیا بر پیشانی تهران نوشته‌اند:

«سعادت و پیروزی هم‌ارز ورود به تهران» است.

و اگر غیر از این است پس چرا در این دوران کسی از شهرهای دیگر نمی‌درخشد و آیا استعدادها از شهری تا شهر دیگر تفاوت دارند و تمام رهنوردان قله موفقیت اگر در ایستگاه تهران و امکاناتش توقف نکنند به قله نمی‌رسند اینجا اگر استعداد سبزی هم هست در فضای متعفن سرزنش و حسادت می‌خشکد دستی اگر برای همکاری به سوی مسئولین دراز می‌شود بدون جواب برمی‌گردد ما هم می‌خواهیم همراه شما باشیم پس بیایید دست ما را هم بگیرید و ما را در این دامنه تنها نگذارید باور کنید دیگر از هم قدم بودن با علم و تکنولوژی در فضای مدرسه ما صحبتی نیست چکیده اهداف دانش‌آموزان اینجا ورود به دانشگاه و احیاناً نمره خوب گرفتن خلاصه می‌شود اگر بچه‌های تهران در المپیاد می‌درخشند تعدادی از دانش‌آموزان سال آخر این مرکز حتی از ورود به مرحله دوم کنکور بازمی‌مانند و راستی ریشه این حقیقت تلخ در کجاست باور کنید ما هم استعداد داشتیم ولی هر روز شاهد کم‌رنگتر شدن اثر آن می‌باشیم من از مسئولین استعداد‌های درخشان خواهش می‌کنم به شهر ما هم سری بزنند و از نزدیک با مشکلات ما آشنا شوند.

دانش‌آموز سال سوم ریاضی فرزنانگان

استعداد‌های درخشان: دانش‌آموز عزیز شما خیلی تند رفته‌اید و مأیوس هستید گویا نتایج درخشان شهرستانها را در المپیادها در نظر ندارید. ارومیه، تبریز، کرمان، اصفهان، مشهد، رشت، و... در ضمن آنها که به مرحله آخر نرسیدند چه دلیلی دارد که موفق نبوده‌اند بنابراین همه راهها به «ایران» ختم می‌شود نه «تهران».

بنام خدا

با عرض سلام به حضور مسئولان گرامی استعداد‌های درخشان و تشکر از زحمات شما.

من دانش‌آموزی از فرزنانگان هستم نه تنها من بلکه بیش از ۹۰٪ از دانش‌آموزان این دبیرستان با مشکلات فراوانی روبرو هستیم از جمله اینکه در دبیرستان تمام نیروهای آموزشی یا بهتر بگویم بیشتر این نیرو در اختیار سالهای آخر (سوم) می‌باشد و توجه خاصی به کلاسهای اول و دوم صورت نمی‌گیرد. اگر چه سالهای آخر بسیار مهم و سرنوشت‌ساز و عبور از سد کنکور ظاهراً مشکل می‌باشد، اما با وجود این من فکر می‌کنم همین معلمان مجرب باید در اختیار سالهای اول و دوم هم قرار بگیرند، چرا که اگر پایه درسی ضعیف باشد در سالهای بعد هم حتی اگر دبیران مجرب در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرند، دانش‌آموزان استفاده کافی را از معلمان نمی‌توانند داشته باشند. مشکل دیگر این است که اغلب دبیران مجرب در اختیار برادران می‌باشند، اگر چه از نظر استعداد و بهره هوشی ما با برادران یکی هستیم ولی بازده عملی ما بخاطر همین موضوع هیچوقت برابر با برادران نیست و گرچه شاید تلاشی بیشتر از آنها داشته باشیم همین‌طور مسئولان ما توجه به کارکردهای غیردرسی ندارند، من جلسه تحقیقاتی که انجام می‌دهیم با پشت گوش اندازی و معطل کردن یا به مرکز ارسال نمی‌گردد یا وقتی ارسال می‌گردد که از موعد مقرر مدتها گذشته. نکته مهمتر اینکه تابحال از میان دانش‌آموزان فرزنانگان... حتی یک نفر هم برای مرحله اول المپیادهای مختلف سراسر کشور معرفی نشده و این نشانگر ضعف علمی این ناحیه است. برای مثال ما در طول سال تحصیلی فقط یکبار به

آزمایشگاه شیمی (که در سراسر درس نیاز به آزمایش دارد) رفته‌ایم و هر بار که از معلمان چنین درخواستی کردیم جوابمان این بود که یا وقت نداریم و یا اینکه این آزمایشها پیش پا افتاده است و باید در منزل انجام شود و من می‌خواهم بگویم که وقتی آزمایشگاه داریم و وسایل کمابیش در اختیارمان هست، چرا باید در منزل این آزمایشها را انجام دهیم.

مسئول گرامی: می‌دانم که همیشه کسب موفقیتها در برخورداری از وسایل آموزشی و معلم نیست و تلاش خود شخص و خواست او مهم است. اما جایی که می‌توان موقعیتهای بهتری برای یادگیری داشت چرا نباید با استفاده از آن پیشرفت کرد و این جملات قاصر و ناقص من در واقع تمنایی است از شما که به مشکلات رسیدگی نمایید، چرا که مسئولان محلی هرگز به حرفهای ما ترتیب اثر نمی‌دهند.

با تشکر فراوان دانش‌آموزی از فرزندگان

نامه‌ها و نوشته‌های شما عزیزان دریافت شده، متشکریم:

- مرکز فرزندگان اراک: گل امید؛ دانش‌آموزان مقطع دبیرستان و نرگس پایانی
- مرکز فرزندگان ارومیه: زهرا فرش‌نهالی
- مرکز شهید بهشتی ارومیه: رضا دوستی
- مرکز فرزندگان امین اصفهان: شهرزاد غفوریان
- مرکز فرزندگان اهواز: یکی از دانش‌آموزان سال چهارم تجربی و دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی در سال تحصیلی ۷۳-۷۲
- مرکز فرزندگان بندرعباس: اعظم خدابنده
- مرکز فرزندگان تبریز: نازیلا نهرین، یکی از دانش‌آموزان مرکز
- مرکز فرزندگان تهران: پری زمان ضابطیان، کوشا پالیدی؛ الهه ح.
- مرکز زینب(س) تهران: دانش‌آموزان مقطع راهنمایی مرکز
- مرکز فرزندگان رشت: جمعی از دانش‌آموزان مرکز
- مرکز زاهدان: محمود براهوئی
- مرکز فرزندگان زنجان: نامه‌ای با امضاء ۲۴ نفر از دانش‌آموزان
- مرکز شهید دستغیب شیراز: علیرضا خاکپور و یکی از دانش‌آموزان مرکز
- مرکز فرزندگان شیراز: ب.ح. و دانش‌آموز پایه اول دبیرستان در سال تحصیلی ۷۳-۷۲
- مرکز فرزندگان کرج: خواهر امضاء محفوظ.
- مرکز فرزندگان کرمانشاه: س.ب.
- گراش فارس: محمود باقری
- مرکز فرزندگان همدان: آرزو امدادی؛ مریم کرم‌بیگی؛ م. احمدی.



